

عظمت حقوقی و اجتماعی زن در قرآن و سنت

مظفر اکبری مفاخر / عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور هرمزگان

چکیده

نیاز زن و مرد یک نیاز متقابل است که خداوند در اجتماع آن دو، نوعی آرامش عقلی و روانی، روحی و جسمی را برقرار کرده است. بشریت هیچ دین و تمدنی به این اندازه که قرآن نسبت به زن به طور کامل مطابق با فطرت و روحیات او توجه دارد را سراغ ندارد. در قرآن ملاک برتری، تقوی و معنویت است. جنسیت نمی‌تواند معیار برتری باشد و هرگز محدودیت برای کسب کمالات نیست. از نگاه قرآن، زن و مرد هر دو انسانند؛ هر دو مخلوق خدایند و هر دو برابر. بهشت و نعمت‌های آن خاص مردان نیست، بلکه آن‌ها برای همه‌ی انسان‌های متقی چه مرد و چه زن آماده شده است. زن مربی و اولین کلاس جامعه، دامن اوست. قرآن به زن همانند مردان حق مالکیت و ارث و منزلت اجتماعی عطاء می‌کند، قرآن، ازدواج با محارم و نکاح زن محصنه را ممنوع ساخت و به زن ارزش حقوقی بخشید تا به همگان اعلام کند که زن کالا نیست؛ به گونه‌ای که حتی پیامبر از زنان بیعت می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: قرآن، زن، عظمت حقوقی، عظمت اجتماعی، فطرت.

مقدمه

زن مربی و اولین کلاس جامعه، دامن اوست. در دامن اوست که کودک مهر و محبت و صفا و صمیمیت را می‌آموزد و به خود می‌بالد و شکوفا می‌شود و انسان‌های بزرگ پیدا می‌شوند؛ از دامن اوست که سازندگان جامعه پا به اجتماع می‌گذارند و سعادت برمی‌خیزد. قرآن کریم هدایت جامعه را از افراد خانواده آغاز می‌کند، زیرا جامعه را قوم و قبیله و عشیره و گروه می‌سازد و هریک از این‌ها نیز از کانون خانواده و افراد سرچشمه می‌گیرد. (قرآن در قرآن؛ ج ۱، ص ۲۵۱) این هدایت عظیم و رشد و بالندگی فرد و جامعه در مرحله‌ی اول به عهده‌ی زن و در کانون خانواده است. به قول شاعر معاصر عرب، حافظ ابراهیم «الأم مدرسة، اذا أعددتها / أعددت طبیب الأعراف» مادر (زن) در تربیت کودکان همچون مدرسه‌ای

است که اگر آن را مستعد و آماده کنی، در حقیقت ملتی با اصل و نسبی پاک آماده ساخته‌ای. (نصوص حیه من الابد العربی المعاصر، ص ۱۵۴) زیرا روش هدایت قرآن از فرد و خانواده و عشیره آغاز می‌شود و به جامعه‌ی ایمانی سرایت می‌کند. (قرآن در قرآن؛ ج ۱، ص ۲۵۳) زن عهده‌دار خانه و تربیت فرزندان است و هنگامی که از آن اهمال ورزد و متمایل به بدی شود، قرآن او و خانواده را به خاطر تقدس هر دو باز می‌دارد «ای کسانی که ایمان دارید، خود و خانواده‌ی خود را از آتش دوزخی که سوخت آن مردم و سنگ‌هاست حفظ کنید». (قرآن؛ التحریم، ۶). وظیفه‌ی مرد آن است که به سلامت دین و خلق و صحت و گرایش‌های آن اهتمام ورزد «باید به خانواده‌ی خود سفارش کنی تا نماز را بجا آورند و صبورانه در انجام آن ثابت قدم باشند». (قرآن؛ طه، ۱۳۲) قرآن به صراحت اعلان می‌کند که زن و مرد، هر دو، از یک جوهر انسانی و یک نفس واحد، خلقت یافته‌اند و زن مایه‌ی آرامش و آسودگی مرد است. (قرآن؛ الأعراف، ۱۸۹)

قرآن زن را شخصیتی با کرامت و محترم و دارای حقوق اجتماعی، مادی و معنوی قرار داده است و از او به عنوان یکی از ارکان جامعه یاد می‌کند که در مناسبات اجتماعی مؤثر است. قرآن محرومیت‌های زنان را مورد بررسی قرار می‌دهد، تلویحاً زن ایده‌آل را معرفی می‌کند و در جهت نیل به چنین شخصیتی، شخصیت‌های الگوی زنانه و راهکارهایی را جهت سعادت دنیوی و اخروی زن، بیان می‌کند. قرآن احقاق حقوق مادی و معنوی زنان و اصالت دادن به شخصیت زن که حافظ سنت و خانواده و نسل و عامل شکوفایی جامعه است، را بیان می‌کند و خواهان تحقق این مهم است. قرآن در کل خواهان رفع تمام محرومیت‌ها از زنان است تا حقوق طبیعی آنان استیفاء شود. از نگاه قرآن، زن و مرد هر دو انسانند؛ هر دو مخلوق خدایند و هر دو برابر، اما این برابری در کمالات و دستیابی به مقامات معنوی و انسانی، بندگی و تعبد الهی و کرامت وجودی انسان بر سایرین است، نه در احکام و وظایف. از سوی دیگر، هر دو به یک اندازه در بنیان خانواده، اجتماع و بقای نسل آدمی سهیمند. (قرآن؛ الحجرات، ۱۳)

زن در قبل از اسلام و ادیان و تمدن‌های دیگر

عرب در جاهلیت قبل از اسلام به زن به عنوان کالایی می‌نگریست که همانند اموال و بهایم آن گونه که می‌خواستند در او دخل و تصرف می‌کردند. مردان با آن‌ها ازدواج می‌کردند، اما ازدواجی بدون هیچ حد و قیدی، همچنان که در یهود و بعضی وثنی‌ها ازدواج به این صورت بود و با این حال زنان به این کار افتخار می‌کردند و هر کسی را که دوست داشتند، به سوی خود دعوت می‌کردند و در نتیجه عمل زنا و ازدواج‌های نامشروع از قبیل زنان شوهردار بین آن‌ها شایع شد. (تفسیرالمیزان، ج ۴، ص ۲۴۱) زن توانایی ارث بردن را نداشت و بر شوهرش هیچ حقی را نداشت. رسم چنین بود که تنها مردان را وارث می‌شناختند و معتقد بودند آن کس که قدرت حمل سلاح و جنگ و دفاع از حریم زندگی و احیاناً غارتگری ندارد، ارث به او نمی‌رسد، به همین دلیل زنان و کودکان را از ارث محروم می‌ساختند (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۰۹) در کتاب کشف‌الاسرار چنین آمده «و عادت عرب در جاهلیت چنین بود که مادینان را هیچ چیز از میراث بندادندی و گفتندی، شمشیر مردان می‌زنند و مؤنت مردان می‌کشند، مال هم مردان باید که بگیرند» (کشف‌الاسرار، ج ۲، ص ۴۲۵) بیداد دیگر در مورد زنان این بود که پس از این که زن طراوت و شادابی خویش را در خانه‌ی شوهر از دست می‌داد، برای راندن او و آوردن همسر جدید، وی را زیر فشار می‌نهادند تا نه تنها از حقوق خویش بگذرد، بلکه چیزی هم بدهد و جان خویش را نجات بخشد. (ترجمه‌ی تفسیر مجمع‌البیان، ج ۳ و ۴، ص ۷۹۱) زنان از تمام مزایای مجتمع بشری محروم بودند، نه مالک اراده‌ی خود بودند و نه مالک عملی از اعمال خود، نه مالک ارثی از پدر و مادر و برادر. (تفسیرالمیزان ج ۴، ص ۲۴۱) عرب‌ها

از دختران عار داشتند و آن‌ها را زنده به گور می‌کردند. قرآن آن‌ها را مورد سرزنش قرار داده و می‌فرماید «از دختری که زنده به گور شد سؤال می‌شود، برای چه جرمی کشته شده بود. (قرآن، التکویر، ۸ و ۹) بدترین خبر و وحشت‌زاترین بشارت این بود که بگویند همسرت دختر آورده است (تفسیرالمیزان، ج ۴، ص ۲۴۲) و «هنگامی که یکی از آن‌ها نوزادش دختر شود، صورتش از غم و اندوه تیره می‌شود». (قرآن، النحل، ۵۸ و الزخرف، ۱۷) و خجالت‌زده، او خود را از مردم پنهان می‌کند، بخاطر خیر بدی که به او داده شده است! او حتی به این فکر می‌افتد آیا نوزاد را با اکراه نگاهدارد، یا او را زنده به گور کند. حقیقتاً قضاوتشان نکبت بار است». (قرآن؛ النحل، ۵۹) هنگامی که مردی از دنیا می‌رفت، پسر او که از همسر دیگرش بود، صاحب اختیار او بود. لباسی بر روی بیوهی وی می‌افکند و او را همانند دیگر دارایی‌های برج مانده به ارث می‌برد. آنگاه اگر تمایل داشت، با او ازدواج می‌کرد، اما مهری برایش مقدور نمی‌ساخت. (ترجمه‌ی تفسیر مجمع البیان، ج ۳ و ۴، ص ۷۷۲)

اما یهود آنگاه که زن حائض می‌شد، نه با آن غذا می‌خوردند نه با آن هم‌نشینی می‌کردند. ترتولیانوس با خشن‌ترین عبارت زن را مخاطب می‌ساخت و او را «دری که دیو از آن به درون می‌آید» می‌نامید. (تاریخ تمدن، ج ۳، ص ۷۱۷) ژان کریستوم قدیس معتقد بود که «در میان تمام جانوران وحشی زبان‌بارتر از زن وجود ندارد». (جنس دوم، ج ۱، ص ۱۵۹) آگوستین قدیس که شاید بتوان وی را برجسته‌ترین عالم مسیحی در تمام اعصار نامید، معتقد بود که «زن حیوانی است که نه استحکام دارد و نه استواری». (جنس دوم، ج ۱، ص ۲) عقیده‌ی کشیشان مسیحی درباره‌ی زن این بود که «مرد از زن نیست بلکه زن از مرد است. و نیز مرد به جهت زن آفریده نشده، بلکه زن برای مرد آفریده شده است». (جایگاه زن در اسلام و یهودیت، ص ۳۵) زن از بدی تغذیه می‌کند و سرآغاز همه‌ی دعای و مخالفت‌ها است و راه و طریق هر گونه فساد اخلاق است (جنس دوم، ج ۱، ص ۱۶۸) زنی که حیض می‌بیند تا هفت زوز ناپاک است و اگر کسی هم به او دست بزند تا هفت روز ناپاک است و هر که او را لمس کند تا شب نجس باشد و در هر چیزی که بر حیض خود بخوابد نجس می‌شود. (کتاب مقدس سفر لاویان باب ۱۵ شماره ۱۹ تا آخر) حقوق مالکیت زنان یهودی در دوره‌ی تلمودی به همان اندازه محدود بود که حقوق زنان انگلیسی در قرن هجدهم. عواید و درآمد و هرگونه دارایی‌شان به شوهرانشان تعلق داشت. (تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۴، ص ۴۲۶)

در تاریخ گذشته‌ی ایران زنان دارای شخصیت حقوقی نبوده و در شمار اشیاء و تحت قیمیت مردان قرار داشتند. از جمله ازدواج‌های شرم آور عصر ساسانیان، زناشویی خواهران با برادران، پسرها با زن پدرها و تعدد زوجات بود که هر مرد می‌توانست حتی ۱۰۰ زن بگیرد. (زن از دیدگاه اسلام، ص ۳۱) در امپراطوری ساسانی، زن شخصیت حقوقی نداشت؛ یعنی به عنوان یک شخص که داری حق و حقوقی باشد محسوب نمی‌شد، بلکه به عنوان یک شیء فرض می‌شد. به بیان واضح‌تر، در آن دوره زن فقط چیزی به شمار می‌رفت که می‌توانست از آن کسی یا حق کسی باشد، نه به عنوان شخصی که خود، صاحب حق باشد و حقوقی داشته باشد. (زن در حقوق ساسانی، ۴۰)

عظمت حقوقی زن در قرآن

قرآن زن را با مرد در پذیرش تکالیف شرعی و آنچه که از پاداش و جزاء که آن را مبدأ تکلیف وحدت می‌نامند، متساوی می‌داند. تساوی در تکالیف شرعی و واجبات و جزاء و پاداش یک پدیده‌ی عام در خطابات تشریحی، قرآن و سنت است. براساس مبدأ تکلیف، مذکر و مؤنث در همه‌ی امور دین و دنیا تکلیفی متساوی دارند. زیرا امر مهم نتایج سعی هر کدام از آن‌ها، براساس فعلی است که از آن‌ها صادر می‌شود «و اما کسانی که زندگی پرهیزگاران‌های را در پیش می‌گیرند، چه مذکر چه مؤنث، در صورتی که ایمان داشته باشند، به بهشت وارد می‌شوند؛ بدون کوچک‌ترین بی‌عدالتی» (قرآن؛ النساء ۱۲۴) و «هرکس اعمال پرهیزکارانه انجام دهد، مذکر یا مؤنث، در حالی که ایمان داشته باشد، ما مطمئناً زندگی سعادت‌مندانه‌ای در این دنیا به او خواهیم داد و (در روز قضاوت) به خاطر اعمال پرهیزکارانه‌شان مطمئناً پاداش آن‌ها را کامل خواهیم پرداخت» (قرآن؛ النحل ۹۷) و «مردان تسلیم شده، زنان تسلیم شده، مردان مؤمن، زنان مؤمن، مردان فرمانبردار، زنان فرمانبردار، مردان راستگو، زنان راستگو، مردان صبور، زنان صبور، مردان محترم، زنان محترم، مردان صدقه‌دهنده، زنان صدقه‌دهنده، مردان روزه‌دار، زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن، زنان پاکدامن و مردانی که غالباً به ذکر خدا



مشغولند و زنان ذکرکننده؛ خدا برای آن‌ها آموزش و پاداشی عظیم مهیا کرده است». (قرآن؛ احزاب ۳۵) بر این اساس، قرآن تقریری عام برای جایگاه زن قائل است که در آن زن با مرد در زمینه‌ی امور عام و خاص و ادای امانت یکسان است «ما بار مسئولیت (آزادی انتخاب) را به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کرده‌ایم، اما آن‌ها بار این مسئولیت را نپذیرفتند و از آن ترسیدند. ولی انسان آن را پذیرفت؛ او ستمکار بود و نادان». (قرآن؛ الأحزاب ۷۲) مگر این که ضرورت بشری و طبیعت آفرینش و خلقی زن ایجاب کند. در این آیه، انسان مشتمل بر مذکر و مؤنث، در حمل امانت الهی یکسانند و هر دو را مورد کرامت قرار داده است. «ما فرزندان آدم را گرمی داشته‌ایم... و آن‌ها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری دادیم». (قرآن؛ الإسراء ۷۰)

زن آیت و نشانه‌ی خداوند است «از نشانه‌های اوست که برای شما از بین خودتان همسرانی آفرید، تا این که با یکدیگر آرامش و رضایت داشته باشید و او در قلب‌های شما نسبت به همسرانتان عشق و محبت جای داد». (قرآن؛ الروم، ۲۱) قرآن سوره‌ای کامل از سوره‌الطوال قرآن (قرآن؛ النساء) را به زنان اختصاص داده است و در مورد امور مهم زن و خانواده و جامعه سخن گفته است و از زن به عنوان یکی از نعمت‌های بهشتی (قرآن؛ الرحمن ۷۲ و الطور ۲۰ و الواقعة ۲۲ و الدخان ۵۴) و هبه‌ای کریمانه یاد می‌کند «يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ» او هر چه بخواهد می‌آفریند، به هر کس بخواهد دختر عطا می‌کند و به هر کس بخواهد پسر عطا می‌نماید» (قرآن؛ الشوری ۴۹) و مردان را ملزم به رعایت حقوق آن‌ها و معاشرت نیکو با آن‌ها امر فرموده است. (قرآن؛ البقره ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۴۱) خداوند در قرآن حتی حقوق زنان را نیز در ذکر قصص قرآنی و ذکر شخصیت‌ها رعایت نموده و به ذکر قصه‌ی بلقیس، ملکه‌ی سبأ (قرآن؛ النمل، ۲۳ و ۲۴) و مریم(س) پرداخته و از او به نام رسول و صدیقه (قرآن؛ المائده ۷۵) و زنی پاک که خداوند آن را برهمه‌ی زنان عالم برگزیده یاد می‌کند. (قرآن؛ آل عمران ۴۲)

قرآن اعلان می‌دارد زنان مانند مردان مالک بهره‌ی کار و زحمت‌شان می‌باشد و حقوق او را در خرید و فروش و تملک و غیره ثابت می‌کند؛ «مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند، و زنان نیز نصیبی» (قرآن؛ النساء ۳۲) و به زن در قرآن آزادی اقتصادی داده شده که مساوی با مرد است و تفسیر این آزادی آن است که زن قانوناً قدرت آن را دارد که مالک شود و مانع از آن شود که در ملکیت او دخل و تصرف شود؛ «مردان از آنچه والدین و خویشاوندان باقی می‌گذارند

سهمی می‌برند، زنان هم از آنچه والدین و خویشاوندان باقی می‌گذارند سهمی می‌گیرند. ارثیه چه کم باشد و چه زیاد، (زنان باید) سهمی معین بگیرند. (قرآن؛ النساء؛ ۷) زن توانایی مالک شدن و حق تجارت و دادوستد و سایر تصرفات مباح را در امور مالی دارد و کسی حق تجاوز و دخل و تصرف به این حقوق را ندارد.

قرآن، ازدواج با محارم (قرآن؛ النساء؛ ۲۲ و ۲۳) و نکاح زن محصنه‌ی شوهردار (قرآن؛ النساء؛ ۲۴) را ممنوع ساخت و به زن ارزش حقوقی بخشید تا به همگان اعلام کند که زن کالا نیست، تا مورد مبادله و تبادل قرار گیرد یا به ارث برسد. از همین رو فرمود: «ای کسانی که ایمان دارید، برای شما حلال نیست از آنچه زنان‌تان باقی بگذارند، برخلاف میلشان به ارث ببرید. آنان را مجبور نکنید تا از چیزی که به آن‌ها داده بودید چشم‌پوشی کنند و «ای اهل ایمان، برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه و جبر به میراث گیرید...» (قرآن؛ النساء، ۱۹)

از جمله نشانه‌های دیگر تقدیر اجتماعی و حقوقی زن این است که او به آسانی و رایگان قابل دسترس نبوده و دست یافتن به او میسر نیست، قرار دادن حق مهریه است که به زن یک اعتبار مالی به نشانه‌ی تقدیر از او می‌بخشید؛ و بر این اساس مرد وظیفه دارد در آغاز پیمان زناشویی و زندگی مشترک، «مهریه‌ای» را به عنوان پیشکش و هدیه برای همسر خویش در نظر بگیرد و تقدیمش کند، البته این پیشکش منحصر و مختص به زن است و هیچ کس دیگری در آن سهمی ندارد، «برای شوهر حلال نیست تا چیزی را که به او داده است، پس بگیرد... این‌ها قوانین خداست؛ از حدود آن‌ها تجاوز نکنید. کسانی که از حدود قوانین خدا تجاوز کنند، بی‌عدالتی می‌کنند» (قرآن؛ البقره؛ ۲۲۹) از همین رو قرآن می‌فرماید: «مهر زنان را در کمال رضایت و طیب خاطر به آن‌ها بپردازید». (قرآن؛ النساء؛ ۴) رسول اکرم (ص) در مورد مهریه می‌فرماید: «هر که زنی گیرد و در خاطر داشته باشد که مهر او را نپردازد هنگام مرگ، چون زناکاران بمیرد». (نهج الفصاحه؛ ص ۲۰۷) علاوه بر مهریه، پرداخت نفقه نیز بر عهده‌ی مرد و امری واجب است؛ «پدر باید خوراک و پوشاک مادر را منصفانه فراهم کند». (قرآن؛ البقره، ۲۳۳) که در صورت تخلف مرد از پرداخت آن، زن می‌تواند اقامه‌ی دعوی کند «به (ایشان) در نفقه و سکنی آزار و زیان نرسانید تا آن‌ها را در مضیقه و رنج افکنید» (قرآن؛ الطلاق؛ ۶)

کرامت حقوقی زن تا آنجا مهم است که قرآن دستور به معاشرت نیکو با آن‌ها را حتی در حالت ناخوشایندی و کراهیت را اعلام داشته است و مردان را ملزم به رعایت حقوق روانی آن‌ها فرموده است؛ «اگر آن‌ها را دوست ندارید، ممکن است چیزی را دوست نداشته باشید که خدا خیر بسیاری در آن نهاده است». (قرآن؛ النساء؛ ۱۹) کلمه‌ی «معروف: نیکی‌ها» کلمه‌ی است جامع که شامل هر نوع خیر و خوبی است. از دیگر موارد، رعایت حق زناشویی و عدالت با او در امر ازدواج براساس آیه‌ی زیر است «اگر بیم آن دارید که به عدالت رفتار نکنید، پس باید فقط با یکی، یا آنچه از قبل دارید قانع باشید». (قرآن؛ النساء؛ ۳) رسول خدا (ص) در مورد مردی که دو همسر دارد و بین آن‌ها عدالت را مراعات نمی‌کند، می‌فرماید: «جاءَ یومَ القیامه مغلولاً مغلولاً شقه حتى یدخل النار» در روز قیامت در حالی پا به عرصه‌ی محشر می‌گذارد که بدن او به دو نیم تقسیم شده و نیمی از آن مایل است. (وسائل الشیعه، ج ۲۱؛ ص ۳۴۲) قرآن کسانی که زنان را مورد اذیت قرار می‌دهند، افرادی گناهکار می‌داند که دچار بهتان گشته‌اند؛ «کسانی که مردان مؤمن و زنان مؤمن را که هیچ گناهی نکردند اذیت و آزار دهند، نه تنها دروغ گفته‌اند، بلکه گناهی بزرگ مرتکب شده‌اند» (قرآن؛ الأحزاب؛ ۵۸)

قرآن در زمینه‌ی حقوق اخروی و پاداش ایمان می‌فرماید «خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغ‌هایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند؛ و مسکن‌های پاکیزه‌ای در بهشت‌های جاودان (نصیب آنها ساخته)» (قرآن؛ التوبه؛ ۷۲) علاوه بر تساوی در جزاء و پاداش اخروی، قرآن زن و مرد را هم در حقوق دنیوی مساوی هم قرار داده است. «دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده‌اند، به عنوان یک مجازات الهی، قطع کنید» (قرآن؛ المائده؛ ۳۸) و در جاری کردن حد الزنا می‌فرماید: «زن زناکار و مرد زناکار را هر کدام صد ضربه شلاق بزنید» (قرآن؛ النور؛ ۲) خداوند در قرآن بین زن و مرد در شایستگی پذیرش امور اجتماعی، حقوقی و مالی و امثال آن براساس آیه‌ی «و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آن‌هاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده» (قرآن؛ البقره؛ ۲۲۸) تساوی ایجاد نموده است، زیرا عقل و تکلیف، مشخص کننده‌ی آن شایستگی‌هاست.

در قرآن ملاک برتری، تقوی و معنویت است «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» بهترین شما در نزد خدا، پرهیزکارترین شماست (قرآن؛ الحجرات؛ ۱۳) جنسیت نمی‌تواند معیار برتری باشد و هرگز محدودیت برای کسب کمالات نیست. صیغه‌ی



مذکر در زبان عربی وضع نشده است برای «خصوص» مرد. صیغهی مذکر وقتی در مقابل مؤنث قرار بگیرد، تخصیص می‌یابد و در غیر این صورت اعم است. (تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۱) به عبارت دیگر همه‌ی آنچه در قرآن و سنت از خطابات به صیغهی مفرد مذکر و جمع مذکر در زمینه‌های مختلف آمده، اعم از تکالیف شرعی و حق و حقوق و امور عام، شامل زن هم می‌شود، بدون هیچ تمایز و تفریقی مگر آن که در آن یک قرینه‌ی خاص باشد که از آن جمله می‌توان به تکالیف تعددی و مالی و بدنی اشاره کرد که آن هم ناشی از سرشت و طبیعت زنان است. بهشت و نعمت‌های آن خاص مردان نیست، بلکه آن‌ها برای همه‌ی انسان‌های متقی چه مرد و چه زن آماده شده است «أَعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» (قرآن؛ آل عمران ۱۳۳)

با تأمل در متون قرآنی مشاهده می‌شود که توجه شایانی به زن و رعایت حقوق او شده و مردها را از ظلم و تعدی به حقوق او منع کرده و به تعامل با زن در حدود احسان دستور فرموده: «و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به آخرین روزهای «عده» رسیدند، یا به طرز صحیحی آن‌ها را نگاه دارید (و آشتی کنید) و یا به طرز پسندیده‌ای آنها را رها سازید! و هیچ‌گاه به خاطر زبان رساندن و تعدی کردن، آن‌ها را نگاه ندارید! و کسی که چنین کند، به خویشتن ستم کرده است.» (قرآن؛ البقره ۲۳۱) و «زمانی که عده به پایان برسد، شما می‌توانید منصفانه با آن‌ها آشتی کنید، یا منصفانه از هم جدا شوید.» (قرآن؛ الطلاق ۲) و از ظلم و تعدی و تجاوز از حدود و قوانین الهی منع فرموده است: «این‌ها حدود و مرزهای الهی است، از آن، تجاوز نکنید! و هر کس از آن تجاوز کند، ستمگر است» (قرآن؛ البقره ۲۲۹)

عظمت اجتماعی زن در قرآن

کسانی که معتقدند اسلام به زن ظلم کرده، به او اهانت کرده، دچار کفر و الحاد شده‌اند، زیرا خداوند بر هیچ کس ظلم نمی‌کند «پروردگارت هرگز به کسی ظلم نمی‌کند». (قرآن؛ الکهف ۴۹ و رک. النساء ۴۰ و یونس ۴۴) اسلام اهمیت اساسی را به روح می‌دهد نه جسم. روح موجودی مجرد است، نه مذکر و نه مؤنث پس در قرآن سخن از تزکیه‌ی روح است، نه سخن از زن و مرد. (زن در آینه‌ی جلال و جمال، ص ۷۳) قرآن حقیقت هر انسانی را روح او دانسته و بدن را ابزار وی می‌داند. (زن در آینه‌ی جلال و جمال، ص ۷۷)



این که زن در قرآن از چه جایگاه عظیمی برخوردار است، مبتنی بر این است که انسان در قرآن چه جایگاهی دارد، چون قرآن کریم هرگز برای هدایت مرد نیامده است، بلکه برای هدایت انسان آمده است. (زن در آینه‌ی جمال و جلال، ص ۷۱) زن در اجتماع، وظیفه‌ای دارد که از مرد ساخته نیست؛ نقشش بی‌همتا است و بدون شک، بقای زندگی و نسل بشر محتاج وجود وی است. به بیان دیگر، او نیمی از پیکر جامعه است و نمی‌توان از او و نقش سازنده‌اش چشم پوشید؛ قرآن زنان را در سعادت و شقاوت جامعه مؤثر دانسته و از آنان به عنوان نیمی از پیکره‌ی جامعه یاد می‌کند. «ای مردم، ما شما را از همان مذکر و مؤنث خلق کردیم». (قرآن؛ الحجرات ۱۳) نقش تعیین‌کننده‌ی زن در بقا و گسترش نسل انسانی و پرورش و تربیت فرزندان و مانند آن، همیشه مورد توجه اندیشمندان بوده است. به گونه‌ای که در تناسبات و روابط اجتماعی نقش سازنده‌ای به عهده دارد «مردان و زنان مؤمن یاران یکدیگر هستند. آن‌ها از پرهیزکاری طرفداری می‌کنند و کارهای پلید را منع می‌نمایند، آنها نماز را بجا می‌آورند و انفاق واجب (زکات) را می‌دهند و از خدا و رسولش اطاعت می‌کنند. خدا باران رحمت خویش را بر اینان می‌باراند. خداست قادر متعال، حکیم‌ترین». (قرآن؛ التوبه، ۷۱) این توجه معطوف از ناحیه‌ی دین در جایی است که زن از نظر معنوی به اوج تکامل رسیده تا در کتب آسمانی نامش تجلی کند. چنان که در قرآن از مریم مادر عیسی و همسر فرعون، برای مؤمنین اسوه و الگو معرفی شده‌اند، (قرآن؛ التحریم آیه ۱۱ و ۱۲)

در قرآن کلمه هدایت که موجب رستگاری انسان در دنیا و آخرت است. همیشه برای مردان و زنان به کار برده شده است و این‌گونه نیست که فقط صرف خاص مردان به آن اختصاص داشته باشد، مانند آیات «هُدًى لِلنَّاسِ، وسیله‌ی هدایت مردمان». (قرآن - البقره ۱۸۵ و آل عمران ۱۳۸ و البقره ۲ و ۹۷) جنسیت هرگز محدودیت برای کسب کمالات نیست. قرآن به زن و مرد به طور مساوی توجه می‌کند و آن‌ها را به عنوان مستکمل یکدیگر معرفی می‌کند «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» زنان مایه‌ی آرامش و عفت مردان هستند و مردان نیز مایه‌ی آرامش، عفت و آبروی زنان هستند». (قرآن؛ البقره ۱۸۷) لباسی که باعث پوشش زشتی‌ها و عورات و موجب زینت ظاهر است «ای فرزندان آدم، ما برای شما لباس‌هایی فراهم کرده‌ایم که بدن‌هایتان را بپوشانید، همین‌طور برای تجمل». (قرآن؛ الأعراف ۲۶)

خداوند زن را با مرد در پذیرش شایستگی‌ها و انجام فرائض یکسان قرار داده است و به صراحت بارها این امر را در

قرآن تکرار کرده است. «من هرگز در پاداش دادن به کارکنان در میان شما برای هر کاری که می‌کنید کوتاهی نمی‌کنم، چه مذکر باشید چه مؤنث». (قرآن؛ آل عمران ۱۹۵ و النساء ۱۲۴ و النحل ۹۷) او همهی ما را از یک مذکر و مؤنث آفریده «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى». (قرآن؛ الحجرات ۱۳) و زن را با مرد در یک ردیف ذکر کرده «مردان تسلیم شده، زنان تسلیم شده، مردان مؤمن، زنان مؤمن، مردان فرمانبردار... خدا برای آن‌ها آمرزش و پاداشی عظیم مهیا کرده است». (قرآن؛ الاحزاب، ۳۵)

قرآن بعد از عبادت خداوند و عدم شرک نسبت به او در مورد احترام به والدین که مشتمل بر پدر و مادر است، سخن گفته «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...» (قرآن؛ النساء ۳۶) قرآن به رعایت حق مادر و اکرام خاص آن توصیه نموده است و توصیه به احسان و سعی در جهت خدمت به او را و عدم آزار و اذیت او سفارش نموده است. «پروردگارت مقرر کرده است که غیر از او، کسی را پرستش نکن و به والدین خود احترام بگذار. تا زمانی که یکی یا هر دوی آن‌ها زنده هستند، هرگز به آنها "اف" نگو (کوچک‌ترین حرکت ناراحت کننده) و بر سر آن‌ها داد نزن؛ با آن‌ها با محبت رفتار کن». (قرآن؛ الإسراء ۲۳) و «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفَصَّالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ»، ما به انسان سفارش کردیم تا به والدینش احترام بگذارد. مادرش او را باردار شد و بار سنگین و سنگین‌تر شد. تا دو سال (مراقبت فراوان) طول می‌کشد که از شیر گرفته شود. باید از من سپاسگزار باشی و همچنین از پدر و مادر خود. سرنوشت نهایی به سوی من است». (قرآن - لقمان ۱۴) قرآن به نیکی به پدر و مادر سفارش کرده، ولی در آیهی مذکور با آوردن جملهی معترضه «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفَصَّالَهُ فِي عَامَيْنِ» به شیوهی اطناب، تأکید بیشتری بر روی مادر است که او را با رنج و مشقت بسیار در دوران حاملگی، حمل و به مدت دو سال کودک را شیر می‌دهد. (جواهر البلاغه، ص ۲۰۰)

قرآن همچنین ضوابط و قوانین دقیقی در مورد شئون زندگی زناشویی در حالت مشترک و حالت طلاق زن قرار می‌دهد که همه ناشی از عنایت خاص خداوند نسبت به زن در همه شرایط است. «اگر قبل از تماس با زنان، یا قبل از آن که برایشان مهریه تعیین کنید، آن‌ها را طلاق دهید، اشتباهی مرتکب نمی‌شوید، در این صورت با غرامتی منصفانه، برایشان جبران کنید. ثروتمند به اندازهی تواناییش و تهیدست به اندازهی تواناییش، این وظیفه‌ای است بر پرهیزگاران. اگر زنان را قبل از تماس با آن‌ها، ولی پس از آن که برایشان مهریه تعیین کردید طلاق دهید، غرامت نصف مهریه خواهد بود، مگر آن که داوطلبانه از حق خویش بگذرند، یا کسی که باعث طلاق شده، بخواهد از مهریه بگذرد. گذشت به پرهیزگاری نزدیک‌تر است. باید روابط دوستانه را میان خود حفظ کنید. خدا بر اعمال شما بیناست». (قرآن؛ البقره ۲۳۷، ۲۳۶)

قرآن به زن صبغهی مسئولیت اجتماعی عطا فرموده و برای تحکیم جایگاه اجتماعی زن، پیامبر از زنان بیعت می‌گیرد که دال بر مسئولیت‌های مستقل آنان در جامعه همانند مردان است «ای پیامبر، هنگامی که زنان مؤمن، کافران را ترک کردند و از تو تقاضای پناهندگی کنند، اگر با تو عهد کنند... عهد آنها را بپذیر». (قرآن؛ الممتحنه ۱۲) پیامبر اکرم (ص) در بیان عظمت حقوقی و اجتماعی حضرت خدیجه (س) می‌فرماید: «به خدا بهتر از او را خدا به من عوض نداد. در آن وقت که همه‌ی مردم کافر بودند، به من ایمان آورد، و در آن هنگام که همه مرا تکذیب کردند، او مرا تصدیق کرد و آن‌گاه که مردم مرا از مال خود محروم ساختند، او در دارایی خود با من مواسات کرد و خداوند فقط از او نه از سایر زنان، به من فرزند عنایت کرد». (نساء النبی، ص ۲۹)

زن فردی است از افراد جامعه که براساس فطرت و آفرینش ذاتی خود علاوه بر این که نیازمند خانواده و فرزند است، محتاج و نیازمند لذت‌های طبیعی و دنیوی و محتاج قیم و حامی و کفیل و حق ازدواج است که در قرآن به این نیاز زن نیز پاسخ داده شده است «کسانی را که در میان شما مجرد هستند، به ازدواج تشویق کنید». (قرآن؛ النور ۳۲) قرآن به حفظ جایگاه و آبروی زن بسیار اشاره کرده و در برابر اتهام به او، مجازات‌های سنگینی را مدنظر قرار داده است؛ «کسانی که به زنان شوهردار تهمت زناکاری می‌زنند، سپس نمی‌توانند چهار شاهد بیاورند، آن‌ها را هشتاد ضربه شلاق بزنید و هیچ شهادتی را از آن‌ها نپذیرید؛ آن‌ها پلید هستند». (قرآن؛ النور ۴) و «مطمئنأ کسانی که به دروغ، به زنان شوهردار مؤمن و صالح تهمت می‌زنند، در این دنیا و در آخرت به لعنت گرفتار شده‌اند؛ آن‌ها به عذابی هولناک دچار شده‌اند». (قرآن؛ النور ۲۳)





قرآن به زن به عنوان یکی از ارکان خوشبختی جامعه می‌نگرد و از او به عنوان منبعی از منابع ثبات و قرار و امنیت و آرامش خاطر یاد می‌کند «از جمله نشانه‌های اوست که برای شما از بین خودتان همسرانی آفرید، تا این‌که با یکدیگر آرامش و رضایت داشته باشید و او در قلب‌های شما نسبت به همسرانتان عشق و محبت جای داد. در این، اثباتی است کافی برای مردمی که فکر می‌کنند» (قرآن؛ الروم ۲۱) مودت و دوستی و رحمت پیوندی است که فقط در علاقه‌ی جنسی خلاصه نمی‌شود، بلکه بعد عاطفی و اخلاقی را هم شامل می‌شود. در آیه‌ی «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (قرآن؛ البقره ۲۲۸) قرآن مرد و زن را در همه‌ی شئون و احوال و معامله‌ی به معروف یکسان و دارای حقوقی متقابل نسبت به یکدیگر می‌داند که هیچ عمل و کاری نیست که مرد از عهده‌ی آن برآید ولی زن توانایی انجام آن را نداشته باشد.

تفاوت‌های زن و مرد و علل آن از دیدگاه قرآن

در احکام و وظایف، تفاوت‌هایی برای زن و مرد لحاظ شده که براساس نوع آفرینش و جایگاه زن در نظام خلقت و طبیعت است. اسلام برخی از تکالیف را از زنان ساقط کرده است نه به این خاطر که او مساوی مرد نیست، بلکه به جهت رفع رنج و زحمت و مشقات از او که ناشی از جنسیت و فطرت و طبیعت اوست، نه این‌که وسیله‌ای باشد برای طعنه زدن به عقل و کرامت و شخصیت انسانی زن، به عنوان مثال قرآن شهادت زن در حقوق مالی را در مقابل شهادت مرد قرار می‌دهد (قرآن؛ البقره ۲۸۲) که عادتاً به سبب کم اطلاعی زن در امور مالی است؛ زیرا زن بیشتر زمان خود را در منزل و امور مربوط به تربیت فرزندان سپری می‌کند و در نتیجه نسبت به معاملات مالی و خرید و فروش دارای اطلاعات کم و حافظه‌ی ضعیف‌تری است، برعکس مردان که بیشتر وقتشان صرف امور مالی می‌شود و یا اداره‌ی خانه و بقاء نسل که به عهده‌ی زن است سبب اسقاط نماز جمعه و جماعت و جهاد و تخفیفات مالی از قبیل مهریه و نفقه می‌شود. در زمینه‌ی حق میراث نیز اسلام میراث مرد را دو برابر زن قرار داده است (قرآن؛ النساء ۱۱) زیرا اسلام مسئولیت مالی و مهریه و نفقه و هزینه‌های زندگی را به عهده‌ی مرد قرار داده است. یا در مسئله‌ی دیه‌ی قتل، دیه‌ی زن را نصف دیه‌ی مرد قرار داده است؛ زیرا زبان مالی که در نبود مرد گریبان‌گیر خانواده می‌شود به مراتب بیشتر و شدیدتر از زن است و معقول و منطقی است که باید ارث او هم بیشتر باشد. مسائل دیگری که قرآن زن را غیر مساوی با مرد قرار داده است، در حقیقت خدمت به زن و ارزش بخشیدن به اوست، نه تبعیض و بی‌عدالتی. اسلام می‌خواهد زن به مقام والای انسانیت دست یابد؛ در سرنوشت خویش دخیل باشد و آن‌چنان که شایسته یک انسان است زندگی کند؛ از همین‌رو، مسیر کمالش را تعیین و راه

را نشانش داده است تا وی به اختیار و اراده خویش، مسیر سعادت برگزیند و به کمال انسانی خویش نائل گردد.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- جوادی آملی؛ قرآن در قرآن، ناشر مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم، دی ماه ۱۳۸۴ هـ.ش.
- ۳- جوادی آملی؛ زن در آینه‌ی جمال و جلال، ناشر: دارالهدی، چاپ اول.
- ۴- بارتلمه، کریستیان؛ زن در حقوق ساسانی، ترجمه‌ی ناصرالدین صاحب‌الزمانی، چاپ اول، تهران، مؤسسه‌ی مطبوعاتی عطایی، ۱۳۳۷ هـ.ش.
- ۵- پاینده، ابوالقاسم؛ نهج‌الفصاحه، چاپ دهم، انتشارات جاویدان.
- ۶- جلیلی، محمدرضا؛ جایگاه زن در اسلام و یهودیت، انتشارات دستان، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۷- خلخالی، علی ربانی؛ زن از دیدگاه اسلام، نشر حجت، قم، ۱۳۹۹ هـ.ق.
- ۸- دوبوواری، سیمون؛ جنس دوم، ترجمه‌ی قاسم صنعوی، انتشارات توس، ۱۳۸۰.
- ۹- دورانت، ویل؛ تاریخ تمدن، ترجمه‌ی احمد آرام، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۷.
- ۱۰- طباطبایی، علامه‌ی فقید سید محمدحسین؛ ترجمه‌ی تفسیر المیزان، ترجمه‌ی سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۱- الطبرسی، شیخ ابوعلی الفضل بن الحسن؛ ترجمه‌ی تفسیر مجمع البیان، ترجمه‌ی آقای علی کرمی، مؤسسه‌ی انتشارات فراهانی، بهار ۱۳۷۸.
- ۱۲- عاملی، حر؛ وسائل الشیعه، تحقیق موسسه‌ی آل بیت، قم ۱۴۱۴ هـ.ق.
- ۱۳- عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، چاپ دوم، ناشر: انتشارات اسلامی، تابستان ۱۳۷۴.
- ۱۴- عبدالرحمن (بنت الشاطی)، عائشه؛ نساء النبی، دارالمعارف بمصر.
- ۱۵- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، انتشارات: دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۷.
- ۱۶- مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات الزهراء، چاپ هفتم، تهران ۱۳۶۲.
- ۱۷- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین؛ کشف الاسرار و عدّه الابرار، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۱.
- ۱۸- میرزایی، فرامرز؛ نصوص حیه من الادب العربی المعاصر، انتشارات دانشگاه بوعلی، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۰.
- ۱۹- الهاشمی، احمد؛ جواهر البلاغه، الناشر مؤسسه الصادق للطباعه و النشر، الطبعه الاولی، تاریخ النشر ۱۳۷۹.
- ۲۰- ویلیام گلن؛ هنری مرتن، کتاب مقدس، ترجمه‌ی فاضل خان همدانی، انتشارات اساطیر، چاپ اول ۱۳۸۰.